

اهل قرآن در کلام و نگاه امیرالمؤمنین



از خطبه‌های بسیار بسیار مهم و فوق‌العاده امیرالمؤمنین (ع) که در نهج‌البلاغه و سایر کتاب‌ها نقل شده خطبه هشتاد و ششم است که در آن خطبه به نشانه‌ها و علائم و آثار کسانی اشاره شده که از برکت ایمان به قرآن و تقوا و عمل صالح و اخلاق حسنه به مقامات و مراتب و منزلت‌های شگفت‌آوری رسیده‌اند.

شرحی کوتاه، بر خطبه 86 نهج البلاغه

محبوبترین بندگان خدا

از خطبه‌های بسیار بسیار مهم و فوق‌العاده امیرالمؤمنین (ع) که در نهج‌البلاغه و سایر کتاب‌ها نقل شده خطبه هشتاد و ششم است که در آن خطبه به نشانه‌ها و علائم و آثار کسانی اشاره شده که از برکت ایمان به قرآن و تقوا و عمل صالح و اخلاق حسنه به مقامات و مراتب و منزلت‌های شگفت‌آوری رسیده‌اند.

اگر در فرهنگ امیرالمؤمنین (ع) جز این خطبه نبود به خدا سوگند برای اصلاح همه امور دنیا و آخرت مردم بس بود. یقیناً شرح و تفسیر این خطبه آن گونه که در خور خطبه است اگر به میدان ظهور برسد از ده‌ها جلد کتاب قطور علمی، روانکاو، اخلاقی، اجتماعی، عرفانی، معنوی تجاوز خواهد کرد. روی این حساب ناچارم به توضیح یا ترجمه مختصر جملاتش قناعت ورزم، باشد که از طریق این خطبه بتوانیم به اندکی از آثار ایمان به قرآن و عمل به آن که در این منبع عظیم منعکس است آگاهی یابیم.

عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى تَقْسِيهِ،

بندگان خدا، محبوبترین بندگان در پیشگاه خداوند بنده‌ای است که خداوند به تسلط بر نفسش او را یاری داده، ای بندگان خدا، از محبوب‌ترین بندگان در پیشگاه حضرت او بنده‌ای است که خدا او را (بر ضد تبهکاری‌های) نفسش (که دارای حالت اماره به سوء است) یاری دهد.

منظور از «أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى تَقْسِيهِ» چیست؟

برخی از شارحان آگاه و بینای به کلمات حضرت مولی‌الموحدين در توضیح «أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى تَقْسِيهِ» گفته‌اند: یاری خداوند به عبدش به این است که به او قدرت و قوتی در استعداد عنایت کند که بوسیله آن قدرت و قوت عقلش را بر چیره شدن بر نفس اماره کمک کند تا بتواند با عقل نیرومندش که با هدایت حق و به عبارت دیگر یاری خدا تغذیه شده به خودسازی که از اعظم عبادات است نائل گردد.

«أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى تَقْسِيهِ» چگونه اعمال می‌شود؟

در این عرصه که پای عقل و قدرت و فعالیت او در میان است باید گفت تحلیل مسئله به این است که این یاری و کمک و نصرتی که از جانب حضرت دوست به انسان می‌رسد ظهورش در شناخت نفس و خویشتن خویش و ساختن آن با هدایت تشریعی حق است.

پیوند عقل با قرآن، مهمترین وسیله شناخت نفس

پیوند عقل با قرآن مجید و دریافت حقایق از آیات عرشی و ملکوتی‌اش عامل شناخت جایگاه خویش در عالم هستی و ساختن آن به وسیله آیات کتاب حکیم است. روشن است که خودسازی (که بالاترین و والاترین هدف اساسی اولیاء الهی و عباد خاص حضرت رب‌العزه است) بدون خودشناسی غیر ممکن است.

خودشناسی هم بدون تحصیل دانش و علمی که خود را آنچنان که هست به ما بشناساند میسر نمی‌باشد. قرآن دقیق‌ترین و عمیق‌ترین شناخت‌ها را از نفس انسان و همه روابط او با جهان خارج از موجود او ارائه کرده است.

آیات قرآن در زمینه عقل، نفس، مسئولیت، تکالیف، شناخت، اندیشه، تفکر، خودشناختی، خودسازی و

آیاتی است که از سوی خالق انسان به عنوان مشعل نور که در ظلمت‌کده دنیا همه حقایق را به انسان نشان می‌دهد و راه را در تراکم تاریکی‌ها به انسان می‌نمایاند نازل شده است.

در حقیقت این خداست که بوسیله قرآن وجود انسان را در همه ابعادش به انسان می‌شناساند و او را به جایگاهش در عرصه هستی آشنا می‌سازد، سپس راه خودسازی و رسیدن به اوج کمالات انسانی و معنوی را فرا روی او قرار می‌دهد.

«خودشناسی به این نیست که انسان باید اوّلًا يك روان‌شناس ماهر و يك فیلسوف در مسائل روانی باشد سپس به انسان شدن آغاز کند.

آنچه که مهم است این است که نخست باید به وسیله تعلیم و تربیت و درون‌نگری و مراقبت‌های روشنگر مقداری به عظمت روح پی برد و تدریجاً به يك عده اصول و فعالیت‌های عالی روح آشنائی پیدا کند و این اعتقاد و یقین به او حاصل آید که برخورداری روح از آن نیروها و استعدادها که خداوند متعال به آن عنایت فرموده است قانون دارد و نظم دارد. دلیل بر لزوم چنین اعتقاد و یقین این است که وقتی این انسان آگاه می‌بیند يك موجود كوچك و محقر و ساده مانند يك عدد کاه، يك برگ در روی درخت یا افتاده بر زمین بدان جهت که واقعیت دارد بر کنار از نظم و قانون نیست آیا روح با آن عظمت خیره‌کننده‌اش می‌تواند چیزی بی‌نظم و قانون باشد؟! این آگاهی‌ها و معارف ابتدائی به شرط آن که پیگیری شوند و عملی را که اقتضا می‌کنند با کمال خلوص بجا آورده شود در این موقع سالک سبیل عرفان به راه افتاده است.»